

نماد پیوند علم، عرفان و مردم‌داری



علامه شیخ شوشتری در کنار تألیف آثار علمی ارزشمند و ماندگار، عارفی به تمام معنا و در عین حال شخصیتی مردمی و اجتماعی بود. این ترکیب کم‌نظیر از علم، عرفان و مردم‌داری، علامه را به چهره‌ای محبوب و ماندگار در تاریخ تبدیل کرده است.

علامه شیخ شوشتری در کنار تألیف آثار علمی ارزشمند و ماندگار، عارفی به تمام معنا و در عین حال شخصیتی مردمی و اجتماعی بود. این ترکیب کم‌نظیر از علم، عرفان و مردم‌داری، علامه را به چهره‌ای محبوب و ماندگار در تاریخ تبدیل کرده است.

علامه شیخ محمدتقی شوشتری، فرزند شیخ محمدکاظم، فرزند آیت الله شیخ جعفر شوشتری، در سال ۱۲۳۰ ه.ق (۱۲۸۱ خورشیدی) در نجف اشرف متولد شدند و در سن ۷ سالگی خانواده ایشان به شوشتر بازگشتند. ایشان در سال ۱۳۱۴ شمسی، به علت مخالفت با کشف حجاب، جلای وطن کرده به عتبات مهاجرت کردند و در حوزه‌های علمیه نجف و کربلا به کسب علوم و معارف اسلامی ادامه دادند. در عتبات با مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی انس و همکاری علمی داشتند و در سال ۱۳۲۱ هجری شمسی پس از سقوط رضاشاه به ایران بازگشته، در شوشتر ساکن شدند و به انجام وظائف روحانی خود پرداختند و علاوه بر تدریس علوم اسلامی و ارشاد مردم، به تحقیقات و تتبعات خود ادامه دادند و آنچه را بر اثر کوشش‌های شبانه‌روزی و مجاهدت‌های فوق‌العاده و مراجعه به کتابخانه‌های بزرگ و بهره‌گیری از محضر اساتید عالیقدر به دست آورده بودند، در صورت‌آثاری گرانمایه به جهان علم و ادب و عالم اسلام عرضه داشتند که در نوع خود کم‌نظیر بلکه بی‌نظیر و بسیار پر اهمیت اند.

پس از آنکه، رضاشاه از سریر قدرت به زیر کشیده شد، به شهرش شوشتر مراجعت کرد و تا واپسین روزهای عمرش در آن دیار ماند. قاموس الرجال، النجعه (حاشیه شرح لمعه)، بهج الصباغه (شرح نهج البلاغه)، الأخبار الدخیله، حاشیه مصحف، البدایع، الاوائل، اربعین حدیث، آیات بیّنات، قضاء امیرالمؤمنین، تحقیق پیرامون ابوصیر، تحقیق پیرامون دعای ندبه، مقدمه بر توحید مفضل، تواریخ النبی(ص) و الآل و حاشیه بر توضیح المسائل از جمله تألیفات علامه شیخ شوشتری هستند.

در طول تاریخ شرح‌های مختلفی بر کتاب «نهج البلاغه» نوشته شده که هر کدام طبیعتاً نقاط قوت و ویژگی‌هایی دارند؛ از جمله شرحی که علامه محمدتقی شوشتری معروف به شیخ شوشتری با عنوان «بهج الصباغه» نوشته است؛ ایشان در مقدمه کتاب دلیل و انگیزه خود را در شرح نهج البلاغه چنین بیان می‌کند که شرح‌هایی بر نهج البلاغه امیرالمؤمنین(ع) نوشته شده ولی هر کدام نقاط ضعف و کاستی‌هایی دارند؛ از جمله به شرح ابن ابی الحدید اشاره می‌کند که از علمای معتزلی اهل سنت بود و در سده هفتم این شرح را نوشت. همچنین به شرح ابن میثم بحرانی می‌پردازد که از علمای شیعه در سده هفتم بود. در مورد آثار دیگر هم می‌گوید که اینها جامعیت ندارند هر کدام مبتلا به اشکالاتی هستند؛ از این رو تصمیم گرفتم شرح جامعی بنویسم که این اشکالات در آن نباشد.

همچنین کتاب قضاء امیرالمؤمنین(ع) اولین اثر علامه شیخ شوشتری است که درباره آن گفته است: آن را در سن ۲۷ سالگی نوشتم و برای چاپ آن ناشر از من طلب هفت فلس نمود که از عهده مبلغ بر نمی‌آمد. سپس آن را نزد ناشر دیگری بردم. وی به مدت دو روز کتاب را از من گرفت تا آن را بررسی کند. بعد از مدت مقرر که برای نتیجه نزد او رفتم آن چنان جذب مطالعه شده بود، که بدون هیچ گونه هزینه‌ای چاپ آن را برعهده گرفت. یک نسخه از کتاب قضاء امیرالمؤمنین(ع) را به عنوان هدیه برای پدرم به شوشتر فرستادم. بعدها که ایشان را در شوشتر ملاقات کردم، به من فرمودند: «مطالبی را در این کتاب نوشته‌ای که برای من تازگی دارد.» کتاب قضاء امیرالمؤمنین(ع) دارای ۵۵ فصل و در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰ قمری بیش از چهارده بار در نجف و بیروت تجدید چاپ شده است. همچنین کتاب قاموس الرجال در ۱۴ جلد از سوی علامه شیخ شوشتری در زمینه رجال شناسی تألیف شده است.

نکته قابل توجه دیگر، آنکه تا آنجا که برای ایشان امکان داشت، هر سه نوبت نماز را در مسجد و به صورت جماعت اقامه می‌کردند. به این صورت که نماز صبح، مغرب و عشاء را در مسجد سیدناصرالدین و نماز ظهر و عصر را در مسجد شاه زید اقامه می‌کردند. اواخر عمر ایشان به جهت کهولت سن، اقامه نماز برای ایشان در مسجد مقدور نبود، از طرف بعضی از مؤمنین از وی تقاضا می‌شد که برای نماز به مسجد تشریف بیاورند. مرحوم علامه(ره) پاسخ دادند: «من تا آنجا که امکان داشته است، سعی کرده‌ام که حتی یک رکعت نماز را در غیر مسجد به جا بیاورم و مثال زدند که گاهی از سفری که به شوشتر برمی‌گشتم، اگر نزدیکی‌های اذان بوده است، اول به مسجد رفته نماز خوانده‌ام و بعد از اقامه نماز در مسجد به منزل رفته‌ام.»

مرحوم علامه شیخ(ره) در کنار تألیف آثار علمی ارزشمند و ماندگار، عارفی به تمام معنا و در عین حال شخصیتی مردمی و اجتماعی بود. این ترکیب کم‌نظیر از علم، عرفان و مردم‌داری، علامه را به چهره‌ای محبوب و ماندگار در تاریخ منطقه تبدیل کرده است. وی نه تنها به لحاظ علمی کوهی از حکمت بود بلکه پیر عارف دنیای اسلام بود. آن مرحوم آن چنان به عبادت و خلوت با

معبود خود عشق می ورزید که وقتی مشغول عبادت می شد گویی در عالم هیچ کسی را غیر از خدای متعال نمی شناسد. آن عالم ربانی در رستگاری و عبادت های خود گوی سبقت را از دیگران ربوده بود. نمازهای یومیه را به جماعت اقامه می کردند و در ایامی که روزگار نقاقت و کهولت را سپری می کردند و نمی توانستند به مسجد بروند بیشتر وقت خود را صرف تلاوت قرآن می کردند. این عالم محقق سرانجام در ۲۹ اردیبهشت سال ۱۳۷۴ مصادف با ۱۹ ذیحجه دعوت حق را لبیک گفتند و در کنار بقعه سید محمد گلابی به خاک سپرده شدند.